

۱۶۲۱۹۷۴

محمد علی فروغی در صحنہ دیپلماسی بین الملل

کنفرانس صلح پاریس (ورسای)
۱۹۲۰-۱۹۱۸ (۱۲۹۹-۱۲۹۷ ش)

جامعہ ہنر
۱۹۲۷-۱۹۲۹ (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش)

فریدون زندفرد



فهرست برگه

- سرشناسه : زندفرد، فریدون، ۱۳۰۴ -
عنوان و پدیدآور : محمدعلی فروغی در صحنه دیپلماسی بین الملل: کنفرانس صلح پاریس (ورسای) ۱۹۲۰-۱۹۱۸ (۱۲۹۹-۱۲۹۷ ش) و جامعه ملل ۱۹۲۹-۱۹۲۷ (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش) / مؤلف: فریدون زندفرد.
مشخصات نشر : تهران: کتاب سرا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : [۱۹۲ ص]: مصور، نمونه، عکس.
شابک : 978-964-5506-65-8 .
وضعیت فهرست نویسی : فیبا.
موضوع : فروغی، محمدعلی، ۱۲۵۴ - ۱۳۲۱.
موضوع : Foroughi, M.A :
موضوع : کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹ م = ۱۲۹۸ ش)
موضوع : Paris Peace Conference (1919-1920) :
موضوع : جامعه ملل
موضوع : League of Nations :
موضوع : معاهده ورسای (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹)
موضوع : Treaty of Versailles (1919 June 28) :
موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- قراردادهای
موضوع : Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 -- Treaties :
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ : ۱۴۸۶/DSR
رده بندی دیویی : ۸۲۲.۰۹۲ : ۹۰۵
شماره کتابخانه ملی : ۳۱۶۳۱۱

محمد علی فروغی در صحنه دیپلماسی بین الملل
کنفرانس صلح پاریس (ورسای) ۱۲۰-۱۹۱۸ (۱۲۹۹-۱۲۹۷ ش)
و جامعه ملل ۱۹۲۹-۱۲۲۷ (۱۳۰۷-۱۳۰۹ ش)
تألیف: فریدون زندفرد
چاپ اول: ۱۳۹۷

حروف نگاری و صفحه آرایی: فریبا محبی
طراح جلد و گرافیک: آزاده عسگری
تیراژ: ۱۱۰۰
چاپخانه: طرفه
ش.ا.ب.ک.: ۸-۶۵-۵۵۰۶-۹۶۴-۹۷۸

ISBN 978-964-5506-65-8



دفتر و نمایشگاه شرکت کتاب سرا

شماره گواهینامه ایزو 15-Q-1002566-TIC

خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دلفروز، شماره ۱۷، تهران

کد پستی: ۱۵۱۱۷۳۸۹۵۱، ساختمان کتاب سرا

تلفن: ۸۸۷۱ ۶۱۰۴ - ۸۸۷۱ ۷۶۳۶ - ۸۸۷۱ ۲۴۷۹

فکس: ۸۸۷۱ ۷۸۱۹

ketabsara@ketabsara.org

www.ketabsara.ir

Telegram: @ketabsarair

Instagram: ketabsara.publishers

فهرست مطالب

- ۵ • یادداشت
- ۷ • پیشگفتار
- ۱۵ • بخش اول
شرکت محمد علی فروغی در هیئت انجمنی کنفرانس صلح پاریس (ورسای) / ۱۲۹۷-۱۲۹۹
- ۱۱۱ • بخش دوم
نقدی بر تلاش ایران در راهیابی به کنفرانس صلح پاریس
- ۱۱۹ • بخش سوم
محمد علی فروغی و جامعه ملل ۱۹۲۷-۱۹۲۹ (۱۳۰۷-۱۳۰۹)
- ۱۵۱ • بخش چهارم
مروری و نتیجه گیری چند
- ۱۵۷ • ضمائم
- ۱۷۳ • منابع
- ۱۷۷ • تصاویر

پیشگفتار

دنیای سالمندی و خانه‌نشینی حال و هوای خود را دارد. قیل و قال رخت می‌بندد و رفت و آمدها محدود می‌گردد. کمتر کسی سراغی می‌گیرد و آن واسطه آشنای برقراری تماس نیز ذوق و التهاب گذشته ندارد و غالباً خاموش است و مغموم می‌آید. از سویی همین دوره فترت و نامرادی چه بسا خود روزه‌ای گشاید که این ایام سالخوردگی همه‌اش به غفلت و به بطالت به سر بیاید. کدام روزه؟ مقصود بهره‌گیری از ایام سالخوردگی و دوران فراغت اجباری برای مطالعه و تحقیق و تأمل است. من هم در حد توان همین مسیر را جهت بهره‌گیری از این دوران که طولانی هم می‌نماید طی نمودم. اوقات فراوانی در مصاحبت کتاب به سر آمد. مطالبی را که از گذشته و حال به قلم این یا آن نویسنده با برداشت‌های گوناگون و تحت عناوین متفاوت، گوگمشده‌ای را طلب می‌کردم. زنده‌یاد محمد علی فروغی (ذکاءالملک) بلند است. می‌نمود و جلوه‌ای خاص داشت. مفتون شخصیت‌اش گردیدم.

در ۱۲۳۷ شمسی از همان دوران جوانی که در معاونت پدر ادیب و دانشمند، محمد حسین خان ذکاءالملک، به عنوان سر دبیر جریده هفتگی "تربیت" قبول مسئولیت می‌نماید تا سال‌های واپسین عمر که به تصحیح دیوان شعرای بزرگ فارسی زبان سرگرم است، هرگز از کسب علم و فضیلت و تلاش در ارتقای سطح بینش هموطنان و اعتلای مرز و بوم غافل نمی‌ماند. عهدی بسته می‌شود، و به عهد پایبند است.

پدر در تعلیم و تربیت فرزند سهمی استثنایی دارد. شاید سهمی نمونه و الحق قابل

تحسین. خودش می گوید آنچه دارم بی شبهه از حسن تربیت پدر و آنچه ندارم از قصور طبیعی خودم است. پسر در دارالفنون به تحصیل می پردازد و در ۱۷ سالگی در همان محل تعلیم، مدرس فلسفه و تاریخ می شود. در کنار تدریس در دارالفنون در مدرسه علمیه، فیزیک، تاریخ و فلسفه تدریس می نماید. ذات امور همه اش بر محور تعلیم است و تعلم. محمد حسین خان ذکاءالملک که برای مدتی ریاست دستگاه دارالترجمه دولتی را بر عهده می گیرد "گرایش قطعی به روشنفکری داشت" وی آثار سودمندی که جنبه "تنبيه" داشت به همت مترجمان زبردست ترجمه و زیرکانه منتشر می نماید. فرزند نیز همین مسلک را در انتخاب مقالات جریده تربیت به عنوان سر دبیر به کار می گیرد. هر دو قصدشان ترویج آزادی و تنویر افکار عمومی بود. مقالات مجله تربیت عملاً چو تمهیدی می بود که "پیشرو" مردم به مصالح خویش باز شود، مثلاً بدانند ملل دیگر حکومتی از نوع دیگر ابداع کرده، در رفاه و آسایش به سر می کنند. در مدرسه علوم سیاسی معلم بود. در رشته علم اقتصاد انسان کمبود کتاب می شود. فروغی در ۱۲۸۴ ش. کتاب "اصول ثروت ملل" را برای تدریس ترجمه و تألیف می نماید. شاید از آن بتوان به عنوان اولین اثر معتبرش یاد کرد. ویژگی این اقتصاد آزاد و مدرن را در بر می گیرد. از تحول اقتصاد صنعتی، تشکیل طبقه کارگر، آگاهی اجتماعی و تحرک کارگران و حقوق کارگری سخن در میان است. نقل است وی اولین شخصی است که به اقتصاد سیاسی توجه می نماید.

استاد مدرسه علوم سیاسی و سپس مدیر همان مدرسه به یک سال پس از انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۵ ش. رساله‌ای تحت عنوان "قانون اساسی یا آداب مشروطیت دول" را نگارش می نماید. این نوشته حقوق اساسی، اختیارات دولتی و حقوق ملت را به بحث می گذارد. اصل تفکیک قوا را مطرح می نماید، و ملت را صاحب اختیار می شمرد و تصریح دارد که صاحب اختیار ملت باید خود ملت باشد، که منشاء قدرت دولت به حساب می آید. کتاب درس خوبی بود برای مجلسیان دوره مشروطیت، و همچنین برای به اصطلاح "بصیر ساختن خواطر" آحاد مردم و سیاستمداران از مبانی فکری جدید و نهادینه کردن اصول مشروطیت. فروغی زمانی که این کتاب را نگارش می کرد استاد مدرسه علوم سیاسی و نماینده دوره دوم مجلس شورای ملی بود. در همان

دوره و در سن ۳۵ سالگی به عنوان جوان ترین رئیس مجلس انتخاب می گردد. نظامنامه داخلی مجلس مشروطیت نیز یادگار تلاش و تفکر وی می باشد. فروغی هنگام تدوین نظامنامه داخلی مجلس، به عنوان رئیس دبیرخانه مجلس انجام وظیفه می نمود و این سمت سر سلسله مشاغل رسمی وی به شمار می آید. ایامی پر مشغله بود. در زمان نمایندگی مجلس، سمت معلم و مربی احمد شاه را هم بر عهده داشت.

فلسفه یکی از رشته های مورد علاقه اش می بود. عقل گرایی و خردورزی و شاخصه های فکری فلاسفه را یکی از علل اصلی ترقی و پیشرفت جوامع غربی می پنداشت. اندک و الفت با این تیره و تبار و مصلحت اندیشی با آنان را جائز می شمرد. دولت خالی از دولتمدان فیلسوف را بی روح و بی نشاط تصور می نمود. در مقام آن بر می آید رمز و راز دستگاه غرب را بیان و در دسترس گذارد. موجبات فراهم می آید. گرایش به فلسفه و اخلاق به زبان فرانسه موجب خلق یکی از نفیس ترین متون فلسفه مدرن و یکی از اصیل ترین تاریخ نویسی فلسفه جدید تحت عنوان "سیر حکمت در اروپا" می شود. این کتاب مبانی فکری و فلسفی غرب را برای بار نخست در سه جلد به فارسی روایت می کند. جلد اول سیر تری در اروپا را از عهد باستان تا زمان "رنه دکارت" در بر می گیرد، و دو مجلد دیگر تاریخ فلسفه اروپا را تا دوران جدید دنبال می نماید. جلد اول مجموعه در ۱۳۰۹ ش. انتشار می یابد. در چاپ دوم جلد دیگر وقفه حاصل می آید و این دو مجلد پس از اتمام "دوره گوارای عزلت" در ۱۳۰۷ ش. و ۱۳۲۱ ش. منتشر می گردد. سبک ساده و روان متن کتاب است که نوشته را برای عموم قابل فهم و بهره گیری می سازد و از این لحاظ در ترجمه متون فلسفی اروپائیان به فارسی تحولی شایسته صورت می پذیرد. خودش درباره این اثر می گوید: فلسفه غرب است. فارسی. و در جایی این معنا را چنین بیان می کند: «چنان که ارباب ذوق بتوانند از سراسر تاریخ فلسفه اروپا اجمالاً آگاه شوند».

اشاره شد به سبک ساده و روان فروغی در نشر. محقق و نویسنده ای صاحب نام و مشکل پسند، مجتبی مینوی از جمله ستایشگران نشر فروغی است و "تحریرهای" وی را برای نویسندگان و مترجمین جوان بهترین سرمشق توصیه می نماید. استاد بزرگوار محمود صناعی مدعی است یک "واو" اضافی در نشر فروغی نمی توان یافت و سراپا سره

است و ناب.

فروغی از حامیان پر تلاش تأسیس فرهنگستان ایران به شمار می آید و در پایه گذاری فرهنگستان زبان فارسی سهمی به سزا دارد. مقام و منزلتی فوق یک ارگان پالایش زبان فارسی از لغات بیگانه برای فرهنگستان قائل می بود. از دید وی وظیفه اصلی فرهنگستان تربیت ملی گرایی فرهنگی و مدنی بود. در توضیح مطلب فرهنگستان را هیئتی معرفی می نماید که وظیفه اش نگهداری زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و در نتیجه حافظ و میت ایرانی می باشد. زبان مشترک را که از آن به نام "آئینه فرهنگ قوم" یاد می کنند، پس از تاریخ مشترک مهم ترین عامل تشکیل دهنده وحدت ملی می داند. نقش آفرینی فردوسی بر زبان فارسی و در حفظ وحدت است که وی را چون معبودی ستایش می نماید. آنچه در کنگره هزاره فردوسی و افتتاح بنای آرامگاه جدید و جشن های پانزده روزه گفت و به کار بست ریشه در همین طرز تلقی دارد. تشکیل انجمن آثار ملی و تلاش در جهت تجدید ساختمان آرامگاه حافظ و تعمیر بنای آرامگاه سعدی، خیام، نادرشاه، ابن سینا و عطار از همین انگیزه زبان و وحدت ملی نشأت می گیرد. هدف چیرگی و تسلط فرهنگ ایرانی بر فرهنگ اسلامی می بود. فروغی به عنوان اولین رئیس فرهنگستان این فرصت را داشت که فعالیت آن را به سمتی مطلوب و مناسب هدایت نماید. چه سمتی؟ سمت و سوی اعتدال. در "پیام من به فرهنگستان" نیز افراط گرایی را در این حیطه هجو می کند. دوست دیرینه و هم مسلک، محمد قزوینی، هم این یک و سلیقه را می پسندد. درباره حفظ اصالت زبان فارسی و مصونیت اش از گزند زمانه سخن بسیار گفته شده، ولی گفتار و نوشتار فروغی در این مقوله سوز و صداقت دیگری دارد. تا پایان به اهمیت این نهاد همچنان پایبند می بود، و چشم از فعالیت آن بر نمی گرفت و این ارزش را در سرکه روزی "زبان فارسی هم یکی از کامل ترین و شیرین ترین زبان های دنیا" شود.

آن هنگام که از مناصب رسمی محروم می گردد، نه به عنوان رئیس که در مقام عضو عادی فرهنگستان حق جلوس را حفظ می نماید. همه محرومیت ها را می پذیرد و همین حلقه وابستگی به محیط ادب و فرهنگ است که شفا بخش و قانع کننده می آید. از حضور در جلسات فرهنگستان محظوظ است و مسرور. به نجوا می گوید اعضا هنوز به من به عنوان رئیس می نگرند. رفتارش در خلوت عزلت در حدی زیاده گوئیای خلیقات و

شخصیت‌اش می‌بود.

حیطه فعالیت وسیع است و متنوع. به کارنامه قضایی‌اش سری می‌زنیم. در ۱۲۹۱ شمسی فروغی را در مسند وزارت عدلیه می‌بینیم. قانون اصول محاکمات حقوقی یکی از اولین قوانین جدیدی بود که به همت و تردستی حسن مشیرالدوله تهیه و تنظیم می‌گردد. این قانون نیازمند بود رسمیت یابد و قابل اجراء گردد. عمر خدمت فروغی در وزارت عدلیه کوتاه است و پس از چندی به ریاست دیوان عالی تمیز (دیوان عالی کشور) منصوب می‌گردد. در این مقام است که وی پس از کشمکش‌ها و دسیسه‌های بسیار و دور از چشم مجالس شورای ملی که به خواب طولانی سه ساله فرو رفته بود، می‌تواند سرانجام با یاری چندین از هم‌مسلمانان اصول قوانین عرفی محاکمات جزا را تنظیم که به موقع اجراء در می‌آید، این خود آغازی می‌گردد بر لغو تدریجی کاپیتولاسیون. فروغی از جمله "سکولارترین" دولتمردان زمانه ظاهر می‌شود. در ایام ریاست دیوان عالی تمیز است که در ۱۲۹۸ شمسی به عنوان یکی از اعضای هیئت اعزامی به منظور شرکت در کنفرانس صلح پاریس عازم سفر اروپا می‌شود. او بن سفر طولانی‌اش به غرب می‌بود. ایامی که در پاریس سر می‌کند شاهد شکل‌گیری جهان پس از جنگ بین‌المللی اول است. از بسیاری جهات، سفر به پاریس سفری به یاد ماندنی می‌شود و بسیار می‌آموزد و به خاطر می‌سپرد. از جمله به قول خودش به عواید بختی دولت ایران در عرصه بین‌الملل پی می‌برد و اندیشه تشکیل دولتی ملی و مقتدر، دولت مدرن - از همان زمان در ذهن‌اش راه می‌یابد.

سخن و سخنوری گوهر زندگی‌اش می‌بود. به کتاب "آئین سخنوری" که در ۱۳۱۶ ش. منتشر می‌نماید اشاره‌ای داریم: نوشته‌ای است آموزنده خصوصاً بر اهل قلم و سخن. می‌گوید سخنوری و یا خطابه که از آن به عنوان صناعات خمس علم منطق یاد می‌کند، فنی است که به وسیله آن گوینده شنونده را در سخن خود اقناع و بر منظور خویش ترغیب می‌کند. دو سال بعد در ۱۳۱۸ ش. متممی بر آن می‌افزاید که "آموزندگان سخنوری بهتر" به دقایق این فن پی ببرند. تسلط بر فن خطابه را برای هر سیاستمداری از واجبات می‌داند. خودش خطیبی توانا بود و فصاحت‌اش در بیان مورد قبول همگان. در مجلس ششم صحنه‌ای از فصاحت کلام خلق می‌نماید که یاد ماندنی می‌شود و معروف

خاص و عام. نه تنها در زبان فارسی فصیح سخن می گفت که در مواردی لحن و شیوه گفتارش به فرانسه و انگلیسی چنان بود که مورد تحسین و تشویق مستمعین قرار می گرفت. فرانسه و انگلیسی را در نوجوانی در دارالفنون می آموزد. شهروند فرانسوی در تهران در آموزش زبان فرانسه به وی سهمی دارد. توشه اش از عربی به استادان سرخانه برمی گردد و تشویق و تحریض همیشگی پدر.

از خودش نقل می کنیم که می گوید «تحقیق در شعر، تاریخ و فلسفه ملال را همواره از من دور می کرد.» ملال را دور می کرد و در همین حال انگیزه ای می گردید برای ابداع و خاصیت تاریخ از آغاز یکی از رشته های مورد علاقه اش می بود. از همان ابتدای جوانی و حدود ۲۶ سالگی در مدارس مختلف از جمله مدرسه علوم سیاسی، علمیه، خرد و مظفریه تاریخ تدریس می کرد. تاریخ را برای «مدارس و مکاتب» نگارش می کرد. تاریخ ملل قدیمه مشرق را به فارسی ترجمه می کند، و مقدمه ای مناسب بر آن می نویسد که از کتب معتبر درسی می شود به تألیف و ترجمه در رشته تاریخ ادامه می دهد و آثار بیشتری عرصه می دارد. تاریخ ایران و تاریخ قرون وسطی را تألیف می کند، و تاریخ مختصر ایران را برای مدارس ابتدایی نگارش می نماید. تاریخ روم را برای مدرسه سیاسی ترجمه می کند. برای رشته تاریخ ارزشی خاص قائل بود. تاریخ را اساس و شالوده علم سیاست می دانست و بدون این علم سیاست مملکت محال. بدگانه به تاریخ را شایسته احراز مشاغل «مملکتی» و «دولتی» نمی دانست، چه از آن بیم داشت. مبدا این گونه افراد مردم را به ضلالت و گمراهی دلالت نمایند.

فروغی از زمره سیاستمدارانی است که در عالم موسیقی نیز صاحب ذوق بود. موسیقی ایرانی و غربی را می شناخت. می گوید: «موسیقی ایرانی بر من لذت قلب است و موسیقی غربی لذت دماغ.» ردیف شناس بود. به بزرگان این حرفه دوستانه توصیه می نمود شعر چه شاعری را در چه ردیفی به کار برند. خودش گهگاه با نواختن تار و سه تار «ملال» را دور می کرد. پژوهشگران آشنا به خلیات و شخصیت اجتماعی فروغی، جمله بر این اند که وی از تعلقات مادی و تجملات ظاهری به دور بود و ساده و بی تکلف زندگی می کرد. پیوندی داشت ناگسستنی با معنویات و مصون از دغدغه و وسوسه مادیات. خانواده برای اش مهم می نمود. از حال و احوال فرزندان هرگز غافل نمی بود و مسیر

زندگی هر یک را دلسوزانه زیر نظر داشت و پدرا نه اندرز می داد. همانطور که سینه درد همسر و سرفه های شبانه اش مهم بود. خوشحال می شد که دیشب کمتر سرفه کرده و مایل بود آن قولی که درباره چرخ خیاطی داده زودتر عملی شود.

حدود سی سال صحنه سیاست جولانگاه اوست. در این مدت به مشاغل و مناصب مهم و مختلف در سه قوه دست می یابد. بیست و پنج بار وزیر و سه بار نخست وزیر می شود. در همه این مراتب و شئونات قصد خدمت به ابناء نوع و تحکیم مبانی هویت ملی قابل درک است و ستایش بی شک در آن غوغای تجاوز و بی حرمتی در شهر یور ۱۳۲۰ ش. عام به تاریخ و تجربه طولانی مدیریت سیاسی از جمله عواملی بودند که حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ممکن آمد. شخصیتی با چنان فضایل علمی و درایت سیاسی و پیشینه ای ممتاز، ر خدمت به مرز و بوم در پایان بدون خلعت و نشان صحنه را ترک می کند.

در سال ۱۲۹۷ ش. نوشته "ایران و جامعه ملل" را که روایت حدود ۲۰ سال حضور ایران در این نخستین نهاد بین المللی عمومی است با حواشی و تعلیقاتی از طریق "نشر شیرازه" به چاپ رساندم. قسمتی از متن این نوشته مربوط است به کنفرانس صلح پاریس (ورسای) و تلاش ایران جهت راهیابی به این خلوتگاه فاتحین آن روز جهان. محمد علی فروغی یکی از همسفران است. بخشی از نوشته نیز اشاره دارد به فعالیت فروغی در خلال سال هایی که ضمن تصدی امور سفارت انگلیز ریاست هیئت نمایندگی در جامعه ملل در ژنورا نیز بر عهده دارد. صحبت از فراغت دوران نشینی و بهره گیری از این ایام در میان بود. با مطالعه و تأمل بیشتر در احوال و آثار فروغی شخصیتی آشنا شدم که برتر از آن می نمود که در تصور داشتم. رجلی استثنایی که به نظر نمی آمد داستان خدمات و شایستگی های اش آن طور که باید و شاید شناسایی و نقل شده باشد.

پس از تأملی چند این فکر غالب آمد که قسمت مربوط به فروغی در نوشته "ایران و جامعه ملل" را با ارائه مطالب و مدارک بیشتر بسط داده و نوشته ای هر چند موجز و بی پیرایه ولی مستقل تحت عنوان "محمد علی فروغی در صحنه دیپلماسی بین الملل" که حضورش در کنفرانس صلح پاریس و چند سال مشارکت در جامعه ملل در ژنورا در بر می گرفت، فراهم آورم. دسترسی به دو اثر سودمند به این فکر در حدی زیاد قوت بخشید:

"آمال ایرانیان، از کنفرانس صلح پاریس تا قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس" که تحقیقی است مستند به اسناد رسمی وزارت خارجه که تلاش ایران به منظور ورود به کنفرانس صلح پاریس رانیز در بر می گیرد. اثر دیگر "یادداشت های روزانه محمد علی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۸-۱۹۲۰" است که از همان مأموریت به پاریس به تفصیل سخن می گوید. این دو اثر پشتوانه ای معتبر برای گسترش بخش اول این نوشته که همان کنفرانس صلح پاریس باشد فراهم می آورد.

هر لایقه ای به حیات پر بار و متنوع فروغی، در حد توان و استعداد، چه بسا گویای نکته ای گفته در ارتباط با این ودیعه بزرگ باشد. گردآوری این اوراق تلاشی است در همین مقصود

فریدون زندفرد

زمستان ۱۳۹۷